

## ضابطه صحب

درجه قریب بودن شخص به میت.

پشتو: [د صحب ضابط]

## ضابطه نسب

امور و درجات (عمود، حاشیه، طبقات، درجات) مبنی بر اعتبار و لازم الرعایه بودن نسب. پشتو: [د نسب ضابط]

## ضاحیه

زمینی که دیوار ندارد.

پښتو: [ضاحیه]

## ضامن

شخصی که تضمین شخص یا اشخاص دیگر را در برابر تعهداتی که او انجام داده، نموده باشد. (مراجعه شود به تضمین). پښتو: [ضامن]

## ضبط

مصدره اشیاایی براساس قانون است که به مجرم یا به ارتکاب جرم ارتباط داشته باشد. پښتو: [ضبط]

## ضبط اشیا

تدابیری که به موجب آن اشیائیکه وسیله ارتکاب جرم بوده یا در نتیجه جرم تحصیل شده، به اساس حکم قانون از طرف مراجع ذیصلاح نگهداری میشود. (رجوع شود به ضبط). پښتو: [د شیانو ضبط]

## ضحل

آبی که عمق ندارد و کم است. پښتو: [ضحل]

## ضرابخانه

محل تثبیت شده، به منظور ساختن سکه ها و ضرب زدن مسکوکات در مطابقت با احکام قانون. پښتو: [ضرابخانه]

## ضرب

عمل مادی شدید که بر بدن شخص وارد گردیده و در نتیجه علامه آن در بدن ظاهر گردد. پښتو: [ضرب]

## ضرب الإجل

تعیین معاد وقت معین برای پایان دادن به تداوم یک عمل و یا تصرف غیر مشروع و یا آغاز یک عمل مفید از سوی مجاری عدلی، قضایی و یا اداری.

پښتو: [ضرب الإجل]

## ضرب و جرح غیر عمدی

ضرب و جرح ناشی از تخطی که در نتیجه عدم مهارت، بی احتیاطی، عدم دقت و غفلت بوجود آمده باشد. پښتو: [نا عمدی ضرب او جرح]

## ضرر

وارد شدن نقصانی که در اثر فعل شخص و یا غیر بر حقوق، اموال و یا دارایی وی عاید گردد. پښتو: [ضرر]

## ضرر خالص عملیاتی

مبلغی که بعد از مجرای مصارف مطابق احکام قانون، از عایدات بیشتر باشد. پښتو: [عملیاتی نکه (خالص) ضرر]

## ضرر عام

ضرری که نقص و زیان آن به عامه مردم متوجه باشد. پښتو: [عام ضرر]

## ضرر فاحش

ضرری که در تحقق آن منافع اصلی شی از بین رفته باشد. پښتو: [فاحش زیان]

## ضرر فعلی

ضرری موجود حین اقامه دعوی، که به نحوی از انحاء از بین نرفته باشد. پښتو: [فعلی ضرر]

## ضرر قابل پیش بینی

ضرری که وقوع آن حتمی باشد. (مراجعه شود به ضرر) پښتو: [د وړاندوینې وړ ضرر]

## ضرر قابل ملاحظه

مبلغ ده الی یک صد هزار افغانی، اخلال اجرای وظیفه محاروبی، تضعیف نظم و انضباط، از بین بردن یا عارضه دار ساختن تخنیک و سایر تجهیزات عسکری. پښتو: [د پامروږ ضرر]

## ضرر مادی

ضرری که قابلیت سنجش به پول را داشته باشد. پښتو: [مادي زیان]

## ضرر محتمل الوقوع

ضرری که وقوع آن حتمی نباشد.

پښتو: [محتمل الوقوع ضرر]

## ضرر مستقیم

ضرری که مستقیماً از ارتکاب جرم به شخص رسیده باشد. پښتو: [مستقیم ضرر]

## ضرر معنوی

ضرری که به شئون حقوق معنوی شخصی وارد گردد. پښتو: [ضرر معنوي]

## ضرر مؤکد

ضرری که به یقین ثابت بوده و حتماً واقع شده و محتمل الوقوع نمیباشد. پښتو: [مؤکد ضرر]

## ضرر ناشی از جرم

خسارات و زیانهای که بواسطه ارتکاب جرم، به مجنی علیه وارد میشود. پښتو: [د جرم له امله ضرر]

## ضرر و زیان ناشی از جرم

خسارت و زیان هایی که در نتیجه ارتکاب جرم به مجنی علیه وارد میشود. پښتو: [له جرم څخه دامنځ ته شوی زیان او ضرر]

## ضرورت

حالت غیر عادی و ویژه که ضمن آن استفاده از برخی اشیاء و حقوقی که در حالت عادی برای شخص جایز نبوده، برای حفاظت نفس و حیات انسانی مؤقتاً به گونه ای مجاز میگردد که بعد از رفع آن حالت ادای آن برای صاحب حقیقی آن لازم میباشد. پښتو: [ضرورت]

## ضمان

بدل و یا توانی که پرداخت آن بعد از تثبیت خساره وارده بر یک عین و یا حقوق کسی لازم گردد. پښتو: [ضمان]

## ضمان بدل منفعت

توانی که در ازای عدم دسترسی شخص به منفعت مشخص، از یک محل مستحق بالای شخص مزاحم لازم میگردد. پښتو: [د منفعت د بدل تاوان]

## ضمان تعرض

پرداختن تاوان در برابر تعرض به حقوق دیگران، که دارای قواعد خاص قانونی میباشد. پښتو: [د تعرض ضمان]

## ضمان جزائی

ضمانت مالی شخصی که غرض رهایی از قید در جنایاتی که بصورت غیر عمدی ارتکاب یافته، به مرجع مسوول تعهد میگردد. پښتو: [جزایی ضمان]

## ضمان سهمیه

تاوانی که در برابر هر سهم بطور قابل پرداخت ثابت گردد. پښتو: [د سهمیه ضمان]

## ضمان عایده

تاوانی که در اثر اهمال در یک تعهد حقوقی به بار آمده و ضرورت پرداخت آن قانوناً مطرح باشد. پښتو: [عایده ضمان]

## ضمان عیب

تاوان عیب مبیعه که مطابق حکم قانون شرایط پرداخت آن پیش بینی شده است. پښتو: [د عیب ضمان]

## ضمان و قطع

حالتی که در آن دست سارق قطع شده و مال مسروقه (در صورت موجودیت آن) به مالکش سپرده میشود. پښتو: [ضمان او قطع]

## ضمانت

تعهدی که به اساس آن شخص وجبیه لازم الاداء شخص دیگر را به عهده گیرد. در صورت عدم ایفای آن از طرف شخص مذکور، ضامن مکلف به اجرای آن میگردد. پښتو: [ضمانت]

## ضمانت اجرا

تجاوز از مبنی بر تطبیق احکام قانون و فیصله های قطعی و نهایی محاکم که قوه اجرائیه به آن ملزم میباشد. پښتو: [اجرائی ضمانت]

## ضمانت خاص

ضمانت به تادیه مال ذمه مدیون برای داین. پښتو: [خاص ضمانت]

## ضمانت شخصی

حالتی که در آن شخص ضامن پرداخت یک حق قرار میگیرد. پښتو: [شخصی ضمانت]

## ضمانت عام

ضمانتی که شخص تادیه مال ذمه مدیون و احضار نفس مدیون را به داین ضمانت نموده باشد. پښتو: [عام ضمانت]

## ضمانت عینی

حالتی که در آن یک عین بجهت ضمانت تعهد شده باشد. پښتو: [عینی ضمانت]

## ضمانت قابل فروش در بازار

ضمانتی که تحت شرایط عادی بازار و سرعت لازمه متناسب با ارزش بازار، ذریعه مزایده مشابه مبنی بر معاملات به فروش برسد.

پښتو: [په بازار کی د پلودلو وړ ضمانت]

## ضمانت قهری (جبری)

مسئولیتی که به موجب آن شخص، قانوناً ملزم به جبران خساره وارده ناشی از عمل نامشروع خویش، باشد. پښتو: [قهری (جبری) ضمانت]

## ضمایم مزد

امتیازات پولی که در مقاطع زمانی معین غرض انجام کار مشخص، مطابق احکام قانون به کارکن قابل پرداخت میباشد. پښتو: [د مزد ضمایم]